

بررسی نقش وضعیت اقتصادی و اجتماعی عشایر در مدیریت مرتع

یوسف قنبری، مرکز تحقیقات منابع طبیعی و امور دام استان اصفهان

محسن راستی، مرکز تحقیقات منابع طبیعی و امور دام استان اصفهان.

چکیده:

در جامعه عشایری نظام معیشتی به طور عمده مبتنی بر معیشت شبانی و نگهداری و پرورش دام در مراتع است. در این شیوه زندگی که دارای تاریخچه کهنی می باشد، دام به عنوان هدف و وسیله زندگی است و تغذیه دام وابسته به مراتع می باشد. بنا بر این وجود عشایر به عنوان یک عامل مهم و مؤثر در تغییر و تحول، حفظ و نگهداری مراتع امری بدیهی و غیر قابل انکار است.

بر اساس مطالعات انجام شده از عوامل اصلی که سبب تخریب مراتع می گردد وجود دام مازاد بر ظرفیت مرتع می باشد که به طور عمده مربوط به جامعه عشایری است. بنابراین ضروری است جهت اجرای موفقیت آمیز هر برنامه ای که برای حفظ و احیای مراتع تدوین می گردد. وضعیت اقتصادی و اجتماعی و نیازهای عشایر به عنوان اصلی ترین نیروی مؤثر که برخوردار از نظام اجتماعی فرهنگی و همچنین نظام بهره برداری سنتی قوی در عین حال متکی بر منابع غنی مرتع می باشد، به طور مناسبی شناخته و شیوه های انطباق الگوهای جدید با این نظامها به نحو مقتضی مورد تحلیل و ارزیابی قرار گیرد. گستره فعالیت های اقتصادی و تعداد آنها به رغم مناسب بودن عوامل طبیعی تحت تأثیر عوامل اقتصادی و فرهنگی محدود می شود و یکی از اهداف می بایست بالابردن منافع با تکیه بر فرض انسان اقتصادگر یا بهینه جو به عنوان عامل تصمیم گیری باشد. «تومان و کوربین» در ارزیابی مکان فعالیت های اقتصادی رابطه میان

فعالیت‌های اقتصادی و آثار بازتاب‌های متقابل محیط و فعالیت به سه حیطه: قلمرو امکان‌پذیری فرهنگی و طبیعی، قلمرو عملی بودن به لحاظ اقتصادی و قلمرو واقعیت اقتصادی معتقد هستند، هیچ یک از محدوده‌های مذکور ایستا نیست و بر اثر عوامل تکنولوژی، سرمایه و نحوه تصمیم‌گیری در زمینه گسترش یا تهدید آنها به طور دائم در حال تغییر است. بنا براین ضروری است برنامه‌ریزی برای مدیریت مرتع طبق معیارهایی تهیه گردد که وضعیت معیشتی بهره‌برداران در زمان اجرا و حتی پس از خاتمه طرح نه تنها دچار بحران چالش نگشته بلکه سبب افزایش و بهبود سطح زندگی و معیشت آنها به‌طور عام گردد.

در نتیجه آگاهی و شناخت مناسب از وضعیت اقتصادی، اجتماعی، مسایل و توانمندی‌های بهره‌برداران به عنوان اصلی‌ترین عامل تأثیرگذار بر مراتع و انطباق اهداف طرح‌های مرتعداری با این مسایل متضمن موفقیت آن می‌باشد.

واژه‌های کلیدی:

عشایر، اقتصادی، اجتماعی، مدیریت دام و مرتع.

مقدمه:

اساس زندگی کوچ‌نشینی و شکل‌گیری نظام‌های اقتصادی، سیاسی، اداری و ظواهر فرهنگی این جامعه از پرداختن به پرورش حیوانات مفید و شغل دامداری منشأ گرفته است (۱). تعلیف دام در فضای باز، حفظ و نگهداری دام، تولید، فروش و مبادله فرآورده‌ها و کالاها همه و همه در طول تاریخ زندگی کوچ‌نشینان مبتکر پیدایش و ایجاد نظامها و مقررات ایلی و فرهنگی، سبک سکونت و نوع معیشت جامعه بوده است (۲).

در مورد ایل قشقایی هم این مطالب مصداق دارد و اگر صحبت از جامعه عشایر قشقایی با قدرت اجتماعی و اقتصادی آن می‌شود، اساس آن به قدرت اقتصادی و پایگاه فعالیت دامداری آن ارتباط دارد. خانواده عشایری وابسته به تعداد دام خود بوده و داشتن تعدادی گوسفند و بز مهمترین و محبوبترین سرمایه‌ای است که خانواده را به ادامه راه آباء و اجدادی خود و فعالیت بیشتر در زمینه تولید امیدوارتر می‌کند. اهمیت دام در جامعه عشایری تا حدی است که به اصطلاح خودشان گوسفند را دولت می‌نامند و کسی دارای دولت بیشتر و جاه و منزلت بالاتری است که دارای تعداد دام بیشتری باشد.

به‌رغم سنتی و ابتدایی بودن دامداری در جامعه کوچ‌نشینان، اقتصاد غالب آنان متکی بر دامداری است و فعالیتهای دیگر نظیر زراعت، باغداری، صنایع جنبی و دستی بیشتر خود مصرف هستند.

توجه به زندگی معیشتی جامعه عشایری در بحث مدیریت دام در مرتع بدون شک انکارپذیر می‌باشد. در واقع بدون توجه به مباحث اقتصادی و اجتماعی عشایر، رسیدن به یک الگوی مدیریتی دام در مرتع موفقیت‌آمیز نخواهد بود.

این بررسی که با هدف شناخت این ارتباط (اقتصادی و اجتماعی عشایر- مدیریت دام و مرتع) تهیه گردیده است، ضمن بر شمردن اهمیت و ضرورت تولیدات دام بر اقتصادی عشایر قشقایی، تأثیر آن بر مدیریت آینده مراتع را به تصویر کشیده است.

مواد و روشها:

در این پژوهش با بکارگیری روش نمونه‌گیری مستقیم و تکمیل پرسشنامه اطلاعات مورد نیاز جمع‌آوری گردید. این اطلاعات در برگیرنده ویژگیهای کلی

زندگی، تولیدات دامی، صنایع دستی، زراعت و دیگر اطلاعات اقتصادی - اجتماعی بود. بدین منظور و با توجه به پراکندگی جمعیت طوایف ایل قشقایی، در مجموع تعداد ۱۱۰ خانوار به طور تصادفی انتخاب و از طریق مصاحبه حضوری، پرسشنامه تکمیل گردید.

نتایج:

- ۱- اقتصاد ۹۰٪ خانوارهای نمونه از جامعه عشایر قشقایی متکی بر دام و فروش آن می باشد.
- ۲- فقط ۴٪ از خانوارهای جامعه این بررسی برای فروش، به بافت قالی و قالیچه و انواع صنایع دستی اقدام می کردند.
- ۳- تنها ۵٪ از جامعه نمونه در این بررسی در بیلاق دارای زمین برای کشت و زرع بوده اند.
- ۴- نزدیک به ۸۷٪ از خانوارهای عشایری این بررسی برای پخت و پز و ایجاد گرما از هیزم و ذغال چوب استفاده می کنند.
- ۵- بین کاهش تولیدات جامعه عشایری غیر از دام (انواع صنایع دستی و افزایش تعداد دام رابطه معکوس وجود دارد. یعنی هرچه از تولیدات صنایع دستی در سالهای اخیر توسط قشقایی ها کاسته شده است، بر تعداد دام آنان افزوده گردیده است.
- ۶- تولیدات شیر، ماست، کشک و سایر محصولات لبنی فقط در حد نیاز بوده جایگاه مشخص و مهمی در اقتصاد جامعه عشایری ندارد.

بحث:

رشد روز افزون جمعیت کشور و تقاضای بالای مصرف گوشت قرمز و نوع ذائقه ایرانیان در مصرف گوسفند به ویژه گوشت بره باعث گردیده است که قسمت عمده تلاش عشایر در جهت تولید گوشت قرمز باشد. همین مسأله سبب شده است که عشایر در جستجوی علوفه، تازه، دائم در حرکت بوده و با اجاره زمینهای کشاورزی و پس چر مزارع و هجوم به مراتع ییلاقی زودتر از موعد، فشار زیادی را بر مراتع وارد نمایند.

تولید محصولات لبنی به مقدار کم و فقط در حد تأمین نیاز روزانه عشایر است و بقیه آن از طریق فروشندگان دوره گرد و محلی به مقدار کم در بازارهای شهرهای کوچک اطراف مناطق عشایری با قیمتی بالاتر از محصولات کارخانجات بزرگ عرضه می گردد که کیفیت نامناسب، احتمال آلودگیهای محیطی و میکروبی و بالابودن احتمال تقلب در آن سبب شده است که مردم علاقه زیادی به خرید آن نشان ندهند، از این رو عرضه محصولات لبنی، کمتر از ۱۰٪ اقتصاد عشایر را به خود اختصاص می دهد.

صنایع دستی عشایر شامل: بافت قالی، گلیم، جاجیم و گبه می باشد که بسیار محدود و تنها برای تأمین نیاز می باشد، بافت سیاه چادر از موی بز تقریباً به فراموشی سپرده شده و عشایر از انواع چادرهای برزنتی استفاده می نمایند. از طرفی چون اکثر طوایف قشقایی در قشلاق صاحب باغ یا زمین هستند، در مراتع خود اقدام به ساخت اتاقکها یا کلبههایی می نمایند که سقف آن توسط گیاهان خشک یا در بعضی موارد با چوب و کاه گل پوشانده می شود. بافت قالی و قالیچه به عنوان یک فعالیت جنبی توسط زنان و دختران مطرح بوده است که در زمان بیکاری به آنها اشتغال می ورزند. به علت پایین بودن قیمت این محصولات و بالابودن هزینه تولید آن، همچنین عدم شناخت کافی مردم از جایگاه قالیهای عشایری به عنوان معرف فرهنگ و آداب یک ایل، به رغم

نقشهای نه چندان ظریف آن در مقایسه با قالیهای غیرعشایری، با قیمتهای تقریباً نازلی به فروش می‌رسد و چون فاقد صرفه اقتصادی است، عشایر به غیر از تأمین نیاز خود علاقه‌ای به تولید آن نشان نمی‌دهند و حتی در بسیاری از مناطق، آنان از موکت استفاده می‌نمایند. در مجموع می‌توان چنین اظهار نظر کرد که اقتصاد عشایر به طور کامل به پرورش گوسفند و تولید گوشت قرمز وابسته بوده است و همین مسأله یکی از عوامل مهم در تخریب و استفاده افراطی از مراتع می‌باشد.

عرضه کم نفت سفید و گاز مایع و مشکلات مربوط به حمل آنها سبب شده است، که به‌رغم اینکه در بعضی نقاط اداره عشایری به احداث جایگاههای عرضه گاز مایع اقدام نموده است، همچنان استفاده از گیاهان مراتع مهمترین منبع سوخت عشایر بوده است که عامل مهمی در تخریب گونه‌های مرتعی به ویژه گونه‌های درختی و بوته‌های گون به شمار می‌رود.

پیشنهادها:

۱- بازنگری و انجام مطالعات تفصیلی در زمینه مدیریت عشایر در قبل از اصلاحات اراضی، به گونه‌های که چگونگی اعمال مدیریت برای حفظ و نحوه استفاده از مراتع به خوبی روشن شود.

۲- با توجه به اینکه بحث مدیریت دام در مرتع رابطه نزدیک و جدایی‌ناپذیری با وضعیت موجود و مباحث اقتصادی و اجتماعی بهره‌برداران در هر منطقه دارد و این وضعیت در هر مکان با مکان دیگر تفاوت دارد، بنابراین هر منطقه راهکارهایی جدا و متفاوت از سایر مناطق خواهد داشت که مدیریت منطقه‌ای دام در مرتع را انکارپذیر می‌نماید.

۳- بهبود وضعیت معیشتی عشایر قشقایی بدون شک در بهبود وضعیت مراتع و حفظ آن اثر مثبت خواهد داشت. بنابراین مهمترین مؤلفه در مدیریت دام در مرتع در این مناطق، کاستن از اقتصاد تنها متکی بر فروش دام توسط عشایر می باشد که بایستی برای این کار تحقیقات تکمیلی دیگر، جهت جایگزینی درآمدها انجام پذیرد.

تشکر و قدردانی:

بدین وسیله از همکاری آقای مهندس پورفرزانه کارشناس مطالعات اداره کل امور عشایر استان اصفهان و آقای مهندس محمدی مسؤل اداره امور عشایر شهرستان سمیرم در جمع آوری اطلاعات میدانی این تحقیق، تشکر و سپاسگزاری می گردد.

منابع:

- ۱- سازمان برنامه و بودجه، مرکز آمار ایران، سرشماری اجتماعی و اقتصادی عشایر کوچنده، ۱۳۷۷. نتایج تفصیلی، شماره مسلسل نشریات مرکز آمار ایران، ۳۲۷۷. ۵۵۳ صفحه.
- ۲- مشیری. ر.و، ۱۳۷۳. جغرافیای کوچ نشینی (مبانی و ایران). انتشارات سمت، ۲۴۷ صفحه.

